

بررسی تحلیلی «پیش‌نویس کنوانسیون بین‌المللی راجع به صلاحیت و شناسایی احکام

دادگاهها در مسائل مالکیت فکری»<sup>۱</sup>

دکتر محسن صادقی<sup>۲</sup>

ثمین رجائیان<sup>۳</sup>

### چکیده

پیچیدگی‌های فنی حقوق بین‌الملل خصوصی یعنی تعیین دادگاه صالح و قانون حاکم بر دعاوی بین‌المللی، سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو) را بر آن داشت تا پیش‌نویسی حاوی مقررات متحد‌الشکل در زمینه تعیین دادگاه صالح و شناسایی احکام محاکم در دعاوی بین‌المللی مالکیت فکری در محیط فیزیکی و دیجیتالی تهیه و پیشنهاد کند. آشنایی با مفاد این پیش‌نویس و آثار حقوقی پذیرش این پیش‌نویس در ادبیات حقوقی کشور برغم اهمیت فراوان آن، تاکنون مورد توجه حقوقدانان ما قرار نگرفته است. از این رو در این مقاله به معرفی تحلیلی پیش‌نویس کنوانسیون خواهیم پرداخت و در مقاله‌ای مستقل، تطبیق حقوق ایران با مفاد این پیش‌نویس را مورد توجه قرار خواهیم داد.<sup>۴</sup>

**کلیدواژه‌ها:** پیش‌نویس کنوانسیون مالکیت فکری، پیش‌نویس کنوانسیون لاهه، دادگاه صالح، شناسایی و اجرای رای خارجی، حقوق مالکیت فکری.

<sup>۱</sup>Draft Convention on Jurisdiction and Recognition of Judgment in Intellectual Property Matters.

<sup>۲</sup> نویسنده مسئول مقاله-استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی (موسسه حقوق تطبیقی).

<sup>۳</sup> فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق مالکیت فکری دانشگاه تهران.

<sup>۴</sup> - لازم به ذکر است که تطبیق حقوق ایران با مقررات این پیش‌نویس در دست انتشار بوده و بزودی در «مجموعه مقالات بزرگداشت دکتر نجادعلی الماسی» منتشر خواهد شد.

از منظر غالب حقوق پژوهان، دادرسان، وکلا و اصحاب دعوی، مباحث حقوق بین الملل خصوصی یعنی تعیین دادگاه صالح به رسیدگی و تعیین قانون حاکم بر دعاوی ای که در آن یک عنصر بین المللی نظیر تابعیت، محل انعقاد یا اجرای قرارداد و مانند آن وجود دارد، همواره یکی از دشوارترین مباحث حقوقی است که با پیچیدگی های فنی ویژه ای همراه بوده است؛ حقوق بین الملل خصوصی بیش از آنکه دارای وصف بین المللی باشد، دارای وجهه خصوصی است یعنی روابط خصوصی افراد را در سطح بین المللی بررسی می کند در این بین، تفاوت قوانین ملی کشورها و تمایل قانونگذاران داخلی به صالح دانستن محاکم قضایی خود در رسیدگی به دعاوی بین المللی، مصادیق تعارض را فراوان ساخته است (Battifol and Lagarde, 1993, 17-31)؛ لذا در این دعاوی، علاوه بر زمان لازم جهت رسیدگی ماهوی به پرونده، تعیین ابتدایی دادگاه صالح به رسیدگی و سپس تعیین قانون ملی حاکم بر دعوی بسیار زمان بر خواهد بود. به منظور کاستن از تبعات منفی این مشکل، برخی نهادهای بین المللی نظیر آنسیترال<sup>۱</sup> درصدد بر آمده اند تا با تهیه و تصویب برخی مقررات متحد الشكل در زمینه های مختلف تجارت بین الملل، قواعد متحد الشكلی را برای نزدیک شدن نظامهای حقوقی به یکدیگر به قانونگذاران ملی کشورها پیشنهاد دهند. در این راستا سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو)<sup>۲</sup> نیز به عنوان سازمان متولی اداره و گسترش مسائل حقوق مالکیت فکری در سراسر جهان، درصدد کاهش مشکلات ناشی از تعارض دادگاهها در دعاوی نقض مالکیت فکری

<sup>۱</sup>-International Element

<sup>۲</sup>-United Nation Commission for Unification of International Trade Law (UNCITRAL).

آنسیترال، کمیسیون وابسته به سازمان ملل متحد است که در زمینه حقوق تجارت بین الملل فعالیتهای بسیار گسترده ای در سطح جهان دارد و با بهره گیری از حقوقدانان بنام کشورهای مختلف عضو سازمان ملل متحد، تاکنون مقررات متحد الشكل بسیاری را تهیه و تصویب کرده است که ایران، برخی از آنها را به صورت قانون پذیرفته است برای نمونه می توان به قانون داوری تجاری بین المللی م صوب ۱۳۷۶ اشاره کرد که از قانون نمونه آنسیترال گرفته شد؛ قانون تجارت الکترونیکی م صوب ۱۳۸۲ که از مدل آنسیترال الهام گرفته شد نیز از دیگر نمونه های این موضوع است.

<sup>۳</sup>-World Intellectual Property Organization (WIPO)

برآمده است بخصوص آنکه حقوق مالکیت فکری، بر اصل سرزمینی بودن حمایت مبتنی است که به موجب آن، برای تعیین حمایت از مالکیت فکری، باید ملاک را قوانین کشوری دانست که حمایت در آنجا مطالبه شده است و این وابستگی حقوق مالکیت فکری به قوانین داخلی کشورها، تعارض دادگاهها را بیش از پیش سبب شده است. در زمینه تعیین دادگاه صالح در دعاوی بین المللی مالکیت فکری، پیش نویس کنوانسیون را توسط دو تن از صاحب نظران حوزه مالکیت فکری و حقوق بین الملل خصوصی تهیه کرده است. هرچند در تنظیم این متن گاه از پیش نویس کنوانسیون لاهه راجع به صلاحیت و اجرای احکام خارجی در امور مدنی و تجاری<sup>۲</sup>، اما این پیش نویس، متنی اختصاصی است بدین معنا که برخلاف پیش نویس کنوانسیون لاهه و کنوانسیون بروکسل، صرفاً به قواعد حل تعارض دادگاهها در دعاوی بین المللی مالکیت فکری می پردازد.

بررسی این پیش نویس در ادبیات حقوق ایران از چند جهت دارای اهمیت است: اولاً: احتمال تصویب این کنوانسیون از سوی اعضای وایپو در آینده نزدیک وجود داشته و متن آن نیز به مقامات ایران - به عنوان یکی از کشورهای عضو وایپو - ارسال و پیشنهاد خواهد شد، از این رو مناسب است تا از هم اکنون مفاد این پیش نویس بررسی شده و زمینه برای تطبیق مقررات کشورمان در این زمینه با مفاد ۱ کنوانسیون فراهم گردد بخصوص آنکه قوانین مالکیت فکری ما فاقد مقررات جامع یا مناسبی در زمینه حل دعاوی بین المللی بوده و قواعد عام مقرر در قانون مدنی نیز با اقتضات و استانداردهای بین المللی سازگار نیست و این امر می تواند یکی از موانع حمایت شایسته از صاحبان حقوق مالکیت فکری در ایران به شمار آید؛ ثانیاً: چنانکه خواهیم گفت، شمول اجرای این کنوانسیون ناظر به اعضای سازمان تجارت جهانی<sup>۳</sup> است و این احتمال وجود دارد که پس از تصویب پیش نویس، این متن به عنوان ضمیمه موافقت نامه تریپس درآید و چون کشور ما در سال ۱۳۸۴ به عضویت ناظر سازمان

<sup>۱</sup>-Principle of Territoriality

<sup>۲</sup>Brussels Convention on Jurisdiction and the Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters

<sup>۳</sup>-World Trade Organization (WTO)

تجارت جهانی درآمده و در صدد عضویت رسمی به این سازمان است لذا بررسی شرایط پذیرش این سند توسط ایران مفید خواهد بود؛ همچنین این پیش نویس متوجه اعضای کنوانسیون نیویورک در زمینه اجرای آرای داوری خارجی است و ایران در سال ۱۳۸۰ به کنوانسیون نیویورک پیوسته است.<sup>۱</sup> برغم اهمیت فوق، متاسفانه مفاد و آثار حقوقی احتمالی پذیرش این کنوانسیون پس از تصویب مورد بررسی حقوقدانان ما قرار نگرفته است. لذا در این مقاله، مفاد پیش نویس مورد بحث بررسی تحلیلی خواهد شد و از آنجا که مطالعه تطبیقی آن با حقوق ایران، بر حجم نوشتار بیش از حد متعارف می افزود، تطبیق مقررات پیش نویس را با حقوق ایران در قالب مقاله ای جداگانه مورد توجه قرار خواهیم داد.

مطالب مقاله حاضر به تبعیت از تقسیم بندی پیش نویس کنوانسیون در سه بخش ارائه خواهد شد: در بخش نخست، گستره اجرایی کنوانسیون تبیین می شود، در بخش دوم، معیارهای قابل پذیرش و غیر قابل پذیرش در تعیین دادگاه صالح مشخص می گردد و در بخش پایانی، قواعد ناظر به شناسایی و اجرای آرای خارجی در حوزه مالکیت فکری ارائه خواهد شد.

## بخش نخست- آشنایی با ساختار پیش نویس کنوانسیون بین المللی راجع به صلاحیت و شناسایی احکام در مسائل مالکیت فکری و گستره آن

پیش نویس مورد بحث در سال ۲۰۰۱ به سفارش وایپو توسط پروفیسور دریفوس و پروفیسور گینسبورگ<sup>۲</sup> تهیه شد و از آن زمان مورد بحثهای مختلفی قرار گرفته است. این پیش نویس، که

<sup>۱</sup> - عضو ناظر عضو است که می تواند در نشستهای سازمان تجارت جهانی شرکت کند اما بر خلاف عضو رسمی یا عضو دائم، از حق رای برخوردار نیست.

<sup>۲</sup> - قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی تنظیم شده در نیویورک مشتمل بر ماده واحده منضم به متن کنوانسیون شامل شانزده ماده در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ بیست و یکم فروردین ماه یکهزار و سیصد و هشتاد مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۰/۱/۲۹ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

<sup>۳</sup> Rochelle C. Dreyfuss

<sup>۴</sup>-Jane C. Ginsburg

مواد ۳۴ گانه خود را در سه فصل گستره کنوانسیون (فصل نخست)، صلاحیت قضایی (فصل دوم) و شناسایی و اجرا (فصل سوم) دسته بندی نموده است، برگرفته از پیش نویس ۳۰ اکتبر سال ۱۹۹۹ تحت عنوان «پیش نویس کنوانسیون شناسایی و آرای خارجی در امور مدنی و تجاری در کنفرانس لاهه»<sup>۴</sup> است با اینحال در بسیاری از موارد تهیه کنندگان پیش نویس کنوانسیون مالکیت فکری از نوآوری‌هایی بهره برده اند.

هرچند پیش نویس کنوانسیون لاهه دارای قواعد عمومی است که ناظر به موضوعات مختلف از جمله حقوق مالکیت فکری بوده و در چند ماده پراکنده نیز به مالکیت فکری اشاره کرده است (برای دیدن نقد و بررسی مقررات مالکیت فکری در کنوانسیون لاهه، ر.ک: صادقی، ۱۳۸۶، صص ۳۶۳-۳۶۷). با این حال، تهیه یک سند تخصصی در زمینه قواعد حقوق بین الملل خصوصی در دعاوی مالکیت فکری، مفید و از جهاتی ضروری بوده است: نخست آنکه احکام کلی مقرر در کنوانسیون لاهه بخوبی نمی تواند مسائل و پیچیدگیهای خاص حقوق بین الملل خصوصی در حوزه مالکیت فکری را پاسخگو باشد و طبیعت خاص این حقوق یعنی معنوی بودن آنها همچنین گسترش فناوری اطلاعات، اقتضا داشت تا سندی مجزا بدان اختصاص یابد؛ دوم آنکه پیش نویس کنوانسیون لاهه وقتی از شناسایی و اجرای آرای خارجی سخن می گوید، با زبانی کلی به بیان حکم می پردازد در حالی که پیش نویس کنوانسیون مالکیت فکری بطور اختصاص به آثار احکام خارجی راجع به این حقوق و تاثیرات آن بر بهداشت، سلامت و ایمنی کشور محل اجرا توجه دارد؛ سوم آنکه پیش نویس کنوانسیون لاهه به عنوان کنوانسیون عمومی صرفاً از این سخن می گوید که ممکن است خواهان در جایی طرح دعوی کند که در آنجا دارای بیشترین نفع است و با این کار قصد فرار از قانون حاکم

<sup>۱</sup>Scope of the Convention.

<sup>۲</sup>Jurisdiction.

<sup>۳</sup>Recognition and Enforcement.

<sup>۴</sup>Hague Conference Draft Convention on Jurisdiction and Foreign Judgments in Civil and Commercial matters.

و دادگاه صالح را دارد لذا با وضع معیارهایی سعی در منع این کار را دارد اما کنوانسیون مالکیت فکری هم به خواهان و هم به خوانده توجه دارد (Dreyfuss and Ginsburg: 2001, 2-3). در اینجا باید متذکر شد که در صورت تصویب پیش نویس کنوانسیون مورد بررسی، اگر میان مواد این کنوانسیون و یکی از مواد پیش نویس کنوانسیون لاهه یا کنوانسیون بروکسل که به مالکیت فکری مربوط است تعارضی پیش آید اگر کشوری هم مفاد کنوانسیونهای قبلی و هم مفاد کنوانسیون مالکیت فکری را پذیرفته باشد، باید به مقررات کنوانسیون مالکیت فکری به عنوان سند خاص استناد جست زیرا این اصل کلی حقوقی که قاعده خاص، مخصص قاعده عام است، علاوه بر حقوق داخلی در سطح بین المللی نیز اعمال می گردد.

لازم به ذکر است که تهیه کنندگان پیش نویس مورد بحث برای اعمال مقررات آن در حوزه مالکیت فکری، یک محدودیت موضوعی و سه محدودیت سرزمینی را برای اعمال مقررات کنوانسیون مقرر داشته اند. ما در ادامه و در قالب دو بند گستره موضوعی او گستره سرزمینی<sup>۱</sup> این شروط و فلسفه وضع آنها را در کنوانسیون بررسی خواهیم کرد.

### فصل نخست) گستره موضوعی پیش نویس

مهمترین شرط اعمال این کنوانسیون آن است که مقررات آن تنها اختلافات ناشی از حقوق مورد حمایت در موافقت نامه تریپس را پوشش می دهد. علت اصلی محدودیت کنوانسیون به حقوق مطرح در تریپس آن است که کنوانسیون تنها در خصوص اعضای سازمان تجارت جهانی قابل اعمال است و حقوق و تعهدات اعضای سازمان در حمایت از مالکیت فکری، در تریپس درج شده است ضمن آنکه کشورهای عضو از مدت‌ها قبل، روابط خود را میان صاحبان حق مالکیت فکری و منافع

---

<sup>۱</sup>-Substantive Scope.

<sup>۲</sup>-Territorial Scope.

جامعه بر اساس تریپس تنظیم کرده بودند و کنوانسیون مزبور نمی توانست با وضع مقرراتی خاص، زمینه برهم خوردن این نظم را فراهم سازد (Dreyfuss and Ginsburg: op.cit, 6).

این شرط که مقررات کنوانسیون زمانی قابل استناد است که به یکی از حقوق تحت پوشش تریپس مربوط باشد، در چهار مورد استثنا می پذیرد و این موضوع را نحوه انشای بند ۱ ماده ۱ پیش نویس و قسمت دوم این بند تایید می کند. این موارد استثنا عبارتند از:

۱- حق اختراع: با وجود اینکه حق اختراع صراحتاً در ماده ۲۷ موافقت نامه تریپس حمایت شده است، اما به علت اختلاف نظر در مورد اینکه اختلافات ناشی از حق اختراع مشمول مقررات کنوانسیون قرار می گیرد یا خیر، لذا در متن بند ۱ ماده ۱ پیش نویس، حق اختراع در داخل کرشه آمده است.<sup>۲</sup> مخالفان اعمال مقررات کنوانسیون بر حق اختراع چنین استدلال می کنند که:

اولاً: ثبت یک اختراع و اعطای ورقه اختراع به مخترع، یک عمل دولتی<sup>۳</sup> است حال اگر طبق معیارهای کنوانسیون در خصوص تعیین صلاحیت قضایی، شخصی دعوی ابطال ورقه اختراع در دادگاه کشور دیگر اقامه کند و آن دادگاه، به ابطال ورقه رای دهد، به منزله آن است که دادگاه عمومی کشور دیگر عمل دولت دیگر را بی اعتبار اعلام می کند؛

---

<sup>۱</sup> - در کنار این محاسن، یکی از انتقادات وارد بر محدودیتهای اعمال شده توسط پیش نویس این است که این محدودیتها می تواند منجر به تفکیک دعوی و در نتیجه صرف هزینه های مضاعف گردد. بدین معنا که اصحاب دعوی ناچار به طرح بخشی از اختلاف خود که مربوط به مالکیت فکری است در دادگاه های عنوان شده در این کنوانسیون و طرح بخش های دیگر در دادگاه های دیگری می شوند. اما باید گفت که اگرچه ممکن است در برخی موارد چنین وضعیت هایی پیش آید، اما با پیش بینی ماده ۹ این کنوانسیون که در بخش های بعد بررسی می گردد، خواهیم دید که این سند بیش از آنکه موجب انشعاب و تکثیر دعوی گردد، از آن جلوگیری خواهد کرد.

<sup>۲</sup>-Para.1 of article 1: "The Convention applies to copyright, neighboring rights, [patents], trademarks, and other intellectual property rights covered by the Agreement on Trade Related Aspects of Intellectual Property, and its successor Agreements. In addition, this Convention applies to rights over communication to the public of Sound Recordings and to claims involving domain names."

<sup>۳</sup>-Act of State.

ثانیاً: مصادیق حق اختراع برخلاف مالکیت ادبی و هنری و علامت تجاری چندان جنبه دیجیتالی پیدا نکرده است (جز در مورد نرم افزارهای دیجیتالی) و تا زمانی که امکان رسیدگی داخلی به این دعاوی وجود دارد توجیه حقوقی-اقتصادی برای شمول مقررات بین المللی بر آن و افزایش هزینه های حمایت نیست؛

ثالثاً: اعمال معیارهای کنوانسیون در مورد حق اختراع، هزینه های ثبت اختراع و به تبع آن، هزینه های محصول را در بازار افزایش می دهد و این با هدف نهایی کنوانسیون یعنی افزایش نفع صاحبان آثار فکری و جامعه، مغایرت دارد. توضیح اینکه اگر هر شخصی بتواند از معیارهای کنوانسیون استفاده کرده و دعوی ابطال ورقه اختراع را در هر کشور عضو کنوانسیون اقامه کند و بتواند حکم ابطال ورقه اختراع را بگیرد، لذا مخترعان در زمان تقدیم اظهارنامه ثبت اختراع در کشور محل ثبت، ناگزیرند که یک مشاوره و کارشناسی حقوقی در سطح وسیع را انجام دهند تا بدانند که آیا با این روند ثبت، امکان ابطال ورقه اختراع در نظام حقوق سایر اعضا وجود دارد یا خیر و بی تردید تمسک به این ابزار حقوقی مستلزم صرف هزینه بسیار است لذا هزینه اجرایی شدن کنوانسیون در مورد اختراعات، بیش از منافع آن خواهد شد (Dreyfuss and Ginsburg: op.cit., 7)؛

در مقابل دلایل فوق، طرفداران اعمال مقررات کنوانسیون بر حق اختراع چنین استدلال کرده اند که محدود سازی صلاحیت رسیدگی به دعاوی اختراع به دادگاه کشور محل ثبت، مانع توسعه پرونده های حق اختراع در دنیا شده و حقوق را دچار نوعی انجماد می کند بعلاوه وقتی دولتی به کنوانسیون می پیوندد، به این معناست که به دادگاه های خارجی اجازه برسی اعمال خود را داده است (Dreyfuss and Ginsburg: 2002, 1097).

در نهایت این اختلاف نظرها باعث شد تا چنانکه گفته شد حق اختراع در بند ۱ ماده ۱، داخل گروه ذکر شود تا بعداً در خصوص اعمال یا عدم اعمال کنوانسیون بر آن تصمیم گیری شود. با این



حال بنظر می‌رسد اعمال کنوانسیون بر حق اختراع مشکل ساز نباشد چرا که اولاً: مطابق بند ۲ ماده ۸ پیش‌نویس: «با این حال در رسیدگی به دعاوی ای که موضوع آنها تحصیل یا اعلام بی‌اعتباری یا ابطال ثبت اختراعات است، دادگاههای دولت عضو که تقدیم اظهارنامه یا ثبت در آنجا صورت گرفته یا طبق شرایط یک کنوانسیون بین‌المللی، فرض می‌شود که در آنجا صورت گرفته است، صلاحیت انحصاری برای رسیدگی دارد...». این ماده و مواد ۹ و ۱۲ نگرانی صاحبان ورقه اختراع و نیز کشورهای محل ثبت اختراع از مداخله دادگاههای سایر اعضا در اعمال دولتی آنها را رفع می‌نماید.

۲- حق عرضه عمومی حاملهای صوتی یا فونوگرامها: استثنای دوم این کنوانسیون نسبت به مقررات تریپس، افزودن برگ‌سره‌ی حمایت از حاملهای صوتی یا فونوگرامهاست. در موافقت‌نامه تریپس، برای تولیدکنندگان فونوگرام تنها حق تکثیر (بند ۲ ماده ۱۴) و حق اجاره (بند ۴ ماده ۱۴) پیش‌بینی شده است. با این حال، تهیه‌کنندگان کنوانسیون، اختلافات ناشی از نقض حق عرضه عمومی تولیدکنندگان فونوگرام را نیز مشمول مقررات این سند دانسته‌اند فلسفه و مزیت این اقدام آن است که اولاً: اگر اختلافی هم ناظر به حق اجاره یا تکثیر باشد و هم شامل نقض حق عرضه عمومی، از تفکیک شدن پرونده‌ها در میان دادگاههای مختلف جلوگیری شود (Dreyfuss and Ginsburg, op.cit, p.1099). ثانیاً: هرچند در تریپس، حق عرضه عمومی صراحتاً حمایت نشده است اما در معاهده اجراها و فونوگرامهای وایپو، از تولیدکنندگان فونوگرام (WPPT) در برابر برخی استفاده‌های غیرمجازی ناشی از نقض حق عرضه عمومی حمایت به عمل آمده و تهیه‌کنندگان پیش‌نویس برای آنکه عقب‌گردی در این زمینه نداشته باشند با ترکیب تریپس و معاهده

<sup>۱</sup>- Communication to the Public of Sound Recordings.

<sup>۲</sup>- در برخی نوشته‌ها به جای حامل صوتی یا فونوگرام از اصطلاح اثر صوتی استفاده شده است حال آنکه این اصطلاحی دقیق نیست زیرا اثر صوتی به اثری گفته می‌شود که بر روی چیزی مادی مانند یک صفحه ضبط و تثبیت شده باشد در حالی که فونوگرام همان صفحه یا هر شی‌ایست که می‌تواند به لحاظ فنی حاوی و حامل چند اثر صوتی باشد.

<sup>۳</sup>WIPO Performances and Phonograms Treaty.

وایپو اختلافات ناشی از نقض تمام حقوق مذکور را جزو قلمرو کنوانسیون دانسته اند (Dreyfuss and Ginsburg, op.cit, p.1068).

۳-۱ استثنای سوم پیش نویس کنوانسیون نسبت به تریپس از منظر گستره موضوعی، به نام های دامنه (باز می گردد زیرا نامهای دامنه در تریپس صراحتاً مورد حمایت قرار نگرفته اند با عنایت به سکوت تریپس، در متن اولیه بند ۱ ماده ۱، صراحتاً نامی از نام دامنه برده نشده بود اما در جریان مذاکرات، تهیه کنندگان پیش نویس با این استدلال که پرونده های مربوط به نام های دامنه معمولاً بر مبنای قوانین تابع موافقتنامه تریپس رسیدگی می شوند و مشکلات این دعاوی، مشابه دعاوی بین المللی علائم تجاری و مالکیت ادبی و هنری است، بر این عقیده پافشاری کردند که اختلافات بین المللی ناشی از نامهای دامنه نیز در قلمرو این کنوانسیون قرار گیرد (Lucas: 2001, 17). این موضوع باعث شد تا در نسخه دوم بند ۱ ماده ۱، اختلافات ناشی از نامهای دامنه صراحتاً مشمول کنوانسیون قرار گیرند. ذکر این نکته ضروری و مفید است که اعمال مقررات کنوانسیون در مورد نام دامنه صرفاً ناظر به حل اختلاف با شیوه قضایی است بنابراین اگر طرفین دعوی بخواهند اختلاف خود را از طریق شیوه های غیرقضایی حل و فصل نمایند می توانند از مقررات دیگر از جمله مقررات مقرر در «انجمن نامها و شماره های ثبت شده اینترنتی (ایکان)»<sup>۲</sup> استفاده کنند خصوصاً آنکه این انجمن از ۱۹۹۹، برای یکنواخت سازی حل اختلافات بین المللی ناشی از نامهای دامنه و به منظور تسهیل کار اصحاب دعوی و مرجع رسیدگی، اسناد اجرایی و متحدالشکلی را تنظیم نموده است (Helfer and Dinwoodie: 2001, 141 and seq). بنابراین اجرایی شدن کنوانسیون نافی صلاحیت ایکان نیست.

<sup>۱</sup>-Domain Names.

<sup>۲</sup>-Internet Corporation of Assigned Names and Numbers (ICANN).

ICANN نهادی خصوصی است که به موجب قانون کالیفرنیا تأسیس گشته است. برگرفته از: (Christie: 2002, 3).

۴- تنها اختلافاتی مشمول مقررات کنوانسیون قرار می‌گیرند که نتیجه حل آن اختلاف برای سازمان تجارت جهانی ارزشمند باشد (Dreyfuss and Ginsburg, op.cit, p.1094). برای نمونه، در اختلاف کاری میان کارگر و کارفرما که مسائل مالکیت بر اطلاعات محرمانه نیز مطرح می‌شود یا در تجزیه یک شرکت، که بحث ارزشگذاری دارایی‌های فکری آن شرکت نیز پیش می‌آید. با توجه به اینکه حل اختلافات کارگری و کارفرمایی و نیز ارزشگذاری مالکیت فکری مستقیماً ارتباط با سازمان تجارت جهانی ندارند لذا مشمول اعمال کنوانسیون قرار نمی‌گیرند.

۵- نکته آخر در خصوص قلمرو موضوعی پیش نویس آن است که مقررات آن تنها در خصوص دعاوی حقوقی ناشی از نقض مالکیت اعمال می‌شود نه دعاوی کیفری مرتبط با آن. هر چند این محدودیت صراحتاً در متن نیامده است اما با بررسی روح حاکم بر مقررات پیش نویس می‌توان پی به این موضوع برد ضمن آنکه تهیه کنندگان آن کاملاً بر این موضوع اشراف داشتند که نزدیک سازی مقررات ملی کشورها در حوزه دعاوی کیفری با توجه به حساسیتهای حاکمیتی و تاکید بر اعمال مقررات ملی در دعاوی کیفری، بسی دشوار است. همچنین در زمینه تعیین دادگاه صالح در دعاوی بین‌المللی کیفری، پیش از آن، مقررات بین‌المللی تهیه و لازم الاجرا شده اند که از مهمترین آنها می‌توان به کنوانسیون جرایم محیط مجازی اشاره کرد.

## فصل دوم) گستره سرزمینی پیش نویس

بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون صراحتاً دو شرط را برای اعمال مقررات کنوانسیون بیان می‌دارد. مطابق این بند: «یک دولت زمانی می‌تواند دولت عضو کنوانسیون باشد که یکی از اعضای سازمان تجارت جهانی بوده، بطور کامل پایبند اجرای تعهدات تریپس و همچنین در کنوانسیون نیویورک عضویت

<sup>1</sup> -Convention on Cyber Crime.

داشته باشد.» فلسفه اصلی شرط عضویت در سازمان تجارت جهانی و پذیرش تعهدات تریپس آن بوده است که کنوانسیون در عمل با مشکلات اجرایی کنوانسیون لاهه روبرو نشود زیرا کنوانسیون لاهه به دلیل قلمرو گسترده و عدم اعمال محدودیت‌ها با این خطر روبرو بوده است که برخی اصحاب دعوی عمداً به دنبال دادگاه‌هایی برای رسیدگی به دعوای خود بگردند که منافع آنها را بهتر تأمین می‌نمایند و بنوعی از معیار دادگاه صالح فرار کنند و به این صورت، تعادلی را که هر کشور بین حقوق صاحبان اموال فکری و مصرف‌کنندگان آن برقرار نموده است بر هم زنند.

اما فلسفه عضویت کشورها در کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ در مورد اجرای آرای داوری خارجی نیز آن بوده است که چون امروزه تعداد اختلافات حوزه مالکیت فکری که از طریق داوری حل و فصل می‌باشد روز بروز در حال افزایش است لذا تهیه‌کنندگان کنوانسیون که به دنبال تسهیل شناسایی و اجرایی آرای مالکیت فکری در سایر کشورهای عضو بوده‌اند، عضویت در کنوانسیون نیویورک را هم شرط دانسته‌اند تا کشورهای عضو کنوانسیون مالکیت فکری بر پایه تعهدات خود در کنوانسیون نیویورک، مکلف به اجرای آرای داوری خارجی باشند (برای مطالعه بیشتر در مورد کنوانسیون نیویورک و تعهدات ناشی از آن، ر.ک: جنیدی، ۱۳۸۰؛ کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی نیویورک-۱۹۵۸، ۱۳۷۰؛ Van Den Berg: 1981).

اما سومین شرط برای اعمال سرزمینی کنوانسیون آن است که دعوی باید حتماً جنبه بین‌المللی داشته باشد زیرا هدف از تهیه مقررات متحد‌الشکل در این کنوانسیون آن بوده است که از تعارض صلاحیت دادگاهها بکاهد و این تعارض در دعوای داخلی مطرح نیست.

**بخش دوم - قواعد ناظر به صلاحیت محاکم**

مهمترین بخش کنوانسیون، فصل دوم آن است که به قواعد تعیین صلاحیت محاکم یعنی چگونگی تعیین دادگاه صالح در دعاوی بین‌المللی مالکیت فکری می‌پردازد؛ اجرایی شدن کنوانسیون و وارد شدن آن در مقررات داخلی کشورهای عضو، نقشی غیر قابل انکار در حمایت مناسب از صاحبان حقوق مالکیت فکری و محاکم دارد زیرا از تعداد قرارهای رد صلاحیت و اختلافات صلاحیتی مثبت یا منفی میان دادگاه‌های کشورهای مختلف و نیز از مواردی که در آن، دادگاه کشور محل اجرای رای، فقدان صلاحیت دادگاه رسیدگی‌کننده را مبنای بی‌عدالتی در آیین رسیدگی و در نتیجه عدم اجرای رای می‌داند (Zhao: 2005, 90)، کاسته خواهد شد.

با عنایت به دلایل فوق، کنوانسیون مقررات مفصلی شامل مواد ۳ تا ۱۹ را به بحث مزبور اختصاص داده است. این مواد هفده‌گانه در کنوانسیون بطور متوالی ذکر شده است اما با بررسی دقیق در مفاد این مواد می‌توان آنها را به دو دسته کلی تقسیم کرد: دسته نخست مربوط به موادی است که معیارهای مجاز برای تعیین صلاحیت را معرفی می‌کنند و دسته دوم ناظر به معیارهای ممنوع صلاحیت است یعنی معیارهایی که بر اساس آن نمی‌توان دادگاه صالح را تشخیص داد. ما در ادامه این دو دسته را در قالب دو فصل زیر بررسی خواهیم کرد:

### فصل نخست) معیارهای مجاز برای تعیین صلاحیت محاکم

پیش‌نویس مورد بررسی برخلاف دو کنوانسیون لاهه و بروکسل دو، صرفاً به صلاحیت شخصی برای تعیین مناسب‌ترین مکان محدود نشده است یعنی معیارهای مقرر شده، حاوی یک سلسله انتخاب بوده و تنها به صلاحیت یک دادگاه منتهی نمی‌شود به عبارت دیگر، معیارهای مندرج در پیش‌نویس، بگونه‌ای طراحی شده‌اند که گاه در یک فرض خاص ممکن است چند دادگاه صالح به

<sup>۱</sup> -تعارض مثبت ناظر به جایی است که دادگاه هر دو کشور خود را صالح به رسیدگی می‌داند و تعارض منفی آن است که دادگاه‌های هر دو کشور خود را واجد صلاحیت رسیدگی نمی‌دانند. ر.ک: (الماسی، ۱۳۸۳، ۱۵ به بعد).

رسیدگی باشند. از سوی دیگر این پیش نویس برخلاف دو کنوانسیون مذکور، حاوی مقرراتی در باب همکاری اختیاری یا اجباری دادگاه‌های کشورهای مختلف در مواردی است که دو یا چند حوزه قضایی صالح به رسیدگی هستند.

حال که با مزایا و نوآوری‌های پیش نویس کنوانسیون نسبت به دو پیش نویس دیگر آشنا شدیم<sup>۲</sup> مناسب است تا معیارهای مذکور در پیش نویس مذکور را در قالب ۱۱ فرض زیر بررسی نماییم:

### ۱- دادگاه صالح در صورت وجود قرارداد انتخاب دادگاه:

ماده ۴ پیش نویس<sup>۳</sup> به طرفین اجازه می دهد تا به موجب قرارداد مستقل یا شرط ضمن قرارداد، دادگاه کشور خاصی را به عنوان دادگاه صالح به رسیدگی انتخاب نمایند و این توافق نه تنها میان طرفین لازم الاجراست بلکه جز در صورت توافق خلاف، به آن دادگاه، صلاحیت انحصاری می دهد<sup>۴</sup> یعنی دادگاه منتخب مکلف به رسیدگی است همچنین اگر خواهان، برغم وجود این توافق معتبر با خوانده، دعوا را در دادگاه دیگری اقامه کند، آن دادگاه باید از رسیدگی خودداری کند هرچند صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به دعوی را داشته باشد.

پیش نویس کنوانسیون ضمن اعطای آزادی به طرفین دعوی نقض مالکیت فکری در انتخاب دادگاه صالح، حاکمیت اراده ایشان را در چند مورد محدود می کند:

<sup>۱</sup> - برای مطالعه بیشتر در مورد کنوانسیون بروکسل دو و مقررات آن در حوزه دعاوی بین المللی مالکیت فکری، ر.ک: (صادق، ۱۳۸۶، صص ۳۵۹-۳۶۳).

<sup>۲</sup> - لازم به ذکر است که این رویکرد پیش نویس کنوانسیون از سوی همه نویسندگان به عنوان مزیت تلقی نشده و معدودی از صاحب نظران نیز انتقاداتی بر آن وارد کرده اند که جای آن در این مقال نیست. علاقمندان می توانند برای دیدن این انتقادات، ر.ک (Drexl and Kur, op.cit, 25).

<sup>۳</sup> - این ماده، برگرفته از ماده ۴ پیش نویس کنوانسیون لاهه می باشد.

<sup>۴</sup> - منظور از توافق خلاف در ضمن قرارداد انتخاب دادگاه صالح آن است که ممکن است طرفین در قرارداد قید کنند که هرچند این دادگاه را برگزیده اند اما قصد اعطای صلاحیت انحصاری را به آن دادگاه نداشته اند و این دادگاه نیز می تواند در کنار سایر دادگاه‌های صالح، به موضوع رسیدگی کند.

نخست اینکه دادگاه منتخب باید نسبت به موضوع اختلاف صلاحیت رسیدگی داشته باشد بنابراین اگر دادگاه منتخب، اساساً هیچ ارتباط یا تخصصی در زمینه اختلاف نداشته باشد، توافق طرفین فاقد اثر حقوقی خواهد بود.

دوم اینکه اگر دعوایی راجع به مالکیت فکری در دادگاهی طرح شده باشد و حال اختلافی مرتبط با همان موضوع و یا معامله میان همان طرفین پیش آید طبق ماده ۱۳ پیش نویس و بر اساس قاعده ادغام دعوی، دعوی دوم نیز باید به دادگاه اول ارجاع شود حتی اگر طرفین بر دادگاه دیگری توافق کرده باشند.

شرط سوم اینکه توافق طرفین باید به شکل مکتوب یا به هر صورت دیگری که در آینده قابل ارجاع باشد، تهیه شود (پاراگراف‌های الف و ب بند ۱ ماده ۴).

شرط چهارم آن است که تنظیم توافق باید بگونه‌ای باشد که با رویه‌های مسلم میان طرفین قرارداد و نیز با عرفی که طرفین از آن آگاهند یا می‌بایست از آن آگاه باشند، سازگار باشد در غیر این صورت قرارداد اعتبار ندارد (پاراگراف‌های ج و د بند ۱ ماده ۴).

و بالاخره شرط و محدودیت پنجم آن است که انتخاب دادگاه باید با معیارهای یک انتخاب معقول و متعارف سازگار باشد. قابل توجه است که بر خلاف کنوانسیون لاهه، رویه حمایتی پیش نویس کنوانسیون مالکیت فکری از طرف ضعیف تر قرارداد، محدود به مصرف کنندگان آشفته است زیرا در بسیاری از قراردادهای مالکیت فکری، طرف مستحق حمایت، ضرورتاً مصرف کننده محسوب نمی

---

<sup>۱</sup> - مصرف کننده در مفهوم دقیق و تخصصی آن، به شخصی اطلاق می شود که کالا یا خدماتی را صرفاً برای استفاده شخصی و نه شغلی خود مصرف می کند (غفاری فارسانی: ۱۳۸۸). بنابراین اگر شخصی، نرم افزاری را برای استفاده شغلی خود خریداری کند، رابطه او با فروشنده، رابطه مصرف کننده و فروشنده محسوب نمی شود و او نمی تواند در برابر فروشنده، به قواعد و قوانین خاص حمایت از مصرف کننده استناد کند.

شود بنابراین پیش نویس مزبور مفاد حمایتی خود را بگونه ای تنظیم کرده است که بجای توجه خاص به مصرف کنندگان، سایر اشخاص را نیز مشمول حمایت قرار دهد. یکی از این موارد حمایت در خصوص قراردادهای مذاکره نشده یا الحاقی در حوزه مالکیت فکری است یعنی قراردادهایی که در آن یک طرف می خواهد از یک محصول فکری استفاده کند اما طرف قوی تر قرارداد، شرایط استفاده از آن محصول را از قبل تعیین کرده است.<sup>۳</sup> از جمله رایج ترین این قراردادها در زمینه مالکیت فکری، قراردادهای لیسانس نرم افزار در قالب قراردادهای شرینگ رپ،<sup>۴</sup> کلیک رپ<sup>۵</sup> و براوز رپ<sup>۶</sup> هستند.

---

<sup>۱</sup> - امروزه در عمل برای حمایت از مصرف کننده، رویه قضایی برخی کشورها، شروط غیر معقول تعیین دادگاه صالح را در قراردادهای میان فروشنده و مصرف کننده بی اعتبار می دانند. برای مثال در پرونده آکسمن علیه اوموروسو (مشخصات پرونده Oxman v. Omoroso)، قاضی شرط تعیین دادگاه صالح را ظالمانه خواند زیرا مصرف کننده گاه بخاطر وجود این شرط تحمیلی و هزینه های سنگین ناشی از سفر به کشور دادگاه تعیین شده و گرفتن وکیل، از طرح دعاوی مشروع و بحق خود، منصرف می شود (Oakly: 2005-2006, 1085-1086)

<sup>۲</sup> - Non negotiated (Adhesion) Contracts.

<sup>۳</sup> - برای مطالعه بیشتر در خصوص ماهیت و آثار قراردادهای الحاقی، ر.ک: (کاتوزیان: ۱۳۸۰، ۱۰۷-۱۱۰).

<sup>۴</sup> Shrink-wrap

در قراردادهای شرینگ رپ که نوع سنتی تر این نوع قراردادهاست، خریدار با باز کردن بسته ی حاوی نرم افزار به شروط قراردادی که درون آن بسته قرار داشت ملتزم می گردد. در چنین شرایطی شخص هیچ گونه قدرت چانه زنی ندارد و به همین دلیل در دوران رواج این گونه قراردادها، تردیدهایی در مورد اعتبار آنها وجود داشته و هنوز هم این تردیدها البته با حجم کمتر ادامه دارد. برای مطالعه بیشتر در مورد این قراردادها، ر.ک: (مهدوی پور: ۱۳۸۴، ۳۸۱ به بعد)

<sup>۵</sup> - Click-wrap

در اینگونه قراردادها که به مرور زمان با افزایش کامپیوترهای شخصی رواج یافته است، مصرف کننده در روند نصب نرم افزار با شرایط قرارداد مواجه می شود و در صورت موافقت با آنها می تواند به نصب نرم افزار ادامه دهد. این قراردادها از این جهت که حداقل مستلزم انجام فعلی دال بر رضایت از سوی مصرف کننده هستند، نسبت به نوع قبلی قرارداد برتری دارند. اما از این جهت که قرارداد هنگامی به مصرف کننده عرضه می شود که وی نرم افزار را خریداری کرده و در حال نصب آن است، هیچگونه برتری بر نوع قبلی ندارند.

<sup>۶</sup> - Browse-wrap

با تسری قراردادهای لیسانس نرم افزار به فضای اینترنت، قراردادهای براوز رپ شکل گرفتند که در آنها امکان ارائه شروط نرم افزار به مصرف کننده پیش از خرید آن فراهم شده است. بدین صورت که در وب سائیتی که از طریق آن سفارش نرم افزار صورت می گیرد، لینکی به قرارداد لیسانس قرار داده می شود. اگر چه اینگونه قراردادها نسبت به قراردادهای پیشین ایرادات کمتری دارند اما همچنان مشکلات کلی قراردادهای استاندارد از قبیل تأمین نفع طرف تنظیم کننده قرارداد و طولانی و مبهم بودن برای مصرف کننده را دارند. برای مطالعه بیشتر، ر.ک:

- (Oakley, op.cit, p.1050).



## ۲- دادگاه صالح در فرض عدم وجود قرارداد تعیین دادگاه:

اگر میان خواهان و خوانده دعوی، قرارداد معتبری که در آن، دادگاه صالح تعیین شده باشد وجود نداشته باشد، طبق قاعده عمومی مقرر در ماده ۳ عمل می‌شود. این ماده حاوی دو بند است که در بند اول، تکلیف خوانده حقیقی و در بند دوم تکلیف خوانده حقوقی مشخص می‌شود. بر اساس بند ۱ ماده ۳: می‌توان علیه خوانده در دادگاه اقامتگاه معمولش طرح دعوی کرد. و طبق بند ۲ همین ماده: اقامتگاه معمول اشخاص حقوقی عبارتند از: کشور مقر قانونی آن شخص حقوقی؛ کشور محل تشکیل قانونی آن شخص؛ کشور محل اداره مرکزی آن شخص و بالاخره کشور محل تجارتخانه اصلی آن شخص حقوقی. همچنین پیش نویس، در کنار قاعده عمومی اقامتگاه خوانده، معیارهای خاصی را برای برخی فروض مقرر کرده است که در بندهای بعدی بتفصیل بدانها خواهیم پرداخت.

## ۳- دادگاه صالح در دعاوی راجع به قرارداد مالکیت فکری (دعاوی قراردادی):

تفاوت این بند با بند شماره ۱ در این است که در بند ۱، طرفین صرفنظر از اینکه دعوی مالکیت فکری، ناشی از چیست، با یکدیگر توافقی مجزا راجع به تعیین دادگاه صالح منعقد کرده اند در حالی که در این فرض، طرفین توافق جداگانه ای انعقاد نکرده اند اما اختلاف آنها ریشه قراردادی دارد برای مثال متعهد و متعهد له قرارداد انتشار کتاب، یا قرارداد فرانچایز در خصوص تفسیر یا اجرای عقد با یکدیگر اختلاف دارند. تهیه کنندگان پیش نویس ماده ۷ را برای این فرض شایع و مهم در نظر گرفته اند تا اختلاف نظر حقوقدانان کشورهای گوناگون را نیز در این زمینه به وحدت نظر نزدیک کنند زیرا حقوقدانان در این مورد که چه دعوی ای با قرارداد ارتباط دارند و یا وقایع مرتبط

<sup>۱</sup> - این ماده برگرفته از ماده ۳ پیش نویس کنوانسیون لاهه است.

<sup>۲</sup> - Principal Place of Business

با قرارداد بویژه قراردادهای اینترنتی که با کمک ارائه دهندگان خدمات اینترنتی (ISPs) صورت می‌گیرد در چه حوزه قضایی رخ داده است اتفاق نظر ندارند (انصاری: ۱۳۸۲، ۱-۲۰؛ صادقی، ۱۳۸۶b، ۸۹ تا ۱۰۰). تکلیف این فرض را ماده ۷ پیش نویس مشخص کرده است. طبق بند ۱ این ماده، دعاوی اجرای قرارداد مربوط به حقوق مالکیت فکری را می‌توان در دادگاه هر کشوری که حقوقش تحت پوشش قرارداد قرار می‌گیرد اقامه کرد. برای نمونه، اگر قراردادی برای تکثیر کتاب در کشور فرانسه منعقد شده باشد، از آنجا که دعاوی مربوط به این قرارداد، احتمالاً قانون فرانسه مطرح می‌گردد، لذا دادگاه‌های کشور فرانسه را می‌توان صالح به رسیدگی دانست و مزیت این قاعده آن است که دعوا را به دادگاهی که بهترین تخصص را برای حل و فصل دعوا دارد ارجاع می‌دهد. ممکن است این ایراد بر معیار مذکور وارد شود که دادگاه کشور محل انعقاد قرارداد ضرورتاً مناسب‌ترین یا تخصصی‌ترین دادگاه برای رسیدگی به آن اختلاف خاص نباشد یا طرفین برای فرار از دادگاه تخصصی، قرارداد را در کشوری خاص منعقد کنند. برای رفع این ایراد، بند ۲ این ماده مقرر می‌دارد که اگر مفاد قرارداد بگونه‌ای باشد که حقوق چند کشور را با قرارداد مرتبط می‌سازد در این صورت، در تعیین دادگاه صالح، صرفاً محل انعقاد قرارداد ملاک نیست و باید معیارهای دیگر نظیر اقامتگاه طرفین، کشوری که در آن حقوق مالکیت فکری توسعه یافته است و کشوری که تعهدات اصلی ناشی از قرارداد قرار بوده است در آنجا اجرا شود نیز در نظر گرفته شود.

#### ۴- دادگاه صالح در دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از نقض حق مالکیت فکری (دعاوی غیر قراردادی):

در مواردی که موضوع دعوی، مطالبه خسارات ناشی از نقض مالکیت فکری بوده و میان خواهان و خوانده، رابطه قراردادی معتبری وجود ندارد و توافقی هم در خصوص تعیین دادگاه صالح منعقد

---

<sup>1</sup> -Internet Services Providers

نکرده اند، باید دادگاه صالح را تعیین نمود زیرا در دعاوی بین المللی بویژه نقض‌های واقع در محیط اینترنتی، تشخیص فعل زیانبار، محل وقوع زیان و مانند آن بسیار دشوار است خصوصاً اگر ضرر وارده جزو اعمالی باشد که در یک کشور شروع شده و در چند کشور ادامه یابد (Brand: 2000, 2 and seq). این دشواری باعث شده است تا تهیه کنندگان پیش نویس، ماده ۶ را به تعیین تکلیف در مورد این فرض اختصاص دهند. مطابق بند یک این ماده، خواهان می تواند دعوی نقض حق را اعم از اینکه در محیط فیزیکی روی داده باشد یا محیط الکترونیکی، در یکی از دادگاههای زیر اقامه کند: الف) دادگاه کشوری که خواننده اساساً در آنجا عملی (از جمله عمل مقدماتی) را به منظور نقض حق مالکیت فکری مرتکب شده است؛ ب) هر کشوری که آثار نقض ادعا شده عمده به سوی آنها هدایت شده و تسری یافته است از جمله آن کشورهایی که خواننده در آنجا اقدامات اساسی نقض حق را مرتکب نمی شود تا رابطه نقض حق با آن کشور را منحرف سازد؛ ج) هر کشوری که پیش بینی می شود نقض در آنجا اتفاق خواهد افتاد از جمله آن کشورهایی که خواننده در آنجا اقدامات اساسی نقض حق را مرتکب نمی شود تا رابطه نقض حق با آن کشور را منحرف سازد.

تهیه کنندگان پیش نویس، مفاد مقرر فوق را با رویکردی دوگانه تنظیم کرده اند بدین صورت که از یکسو صلاحیت دادگاههای ملی اعضا را برای رسیدگی به دعاوی بین المللی گسترش می دهند و به دادگاه اجازه می دهند تا در مواردی، صالح به رسیدگی به تمام دعاوی باشد صرفنظر از اینکه اعمال ناقضانه صورت گرفته به چه کشورهایی سرایت کرده باشند. از سوی دیگر، پاراگرافهای ب و ج بند ۱ ماده ۶ رویکردی تحدیدی دارد یعنی صلاحیت دادگاه را محدود می سازد بدین ترتیب که

---

<sup>۱</sup> - به عنوان مثال هنگامی که فردی مرکز اصلی تجارت خود را در کشوری قرار داده باشد که برای کالاها و خدماتی که وی عرضه می کند بازاری وجود ندارد، و در واقع او فعالیت های خود را متوجه کشورهای دیگری نموده باشد، می تواند قرینه ای باشد بر اینکه وی محل تجارت خود را با قصد تغییر دادگاه صالح به نفع خود، انتخاب نموده است.

اگر خواننده عملاً قلمرو کشوری مشخص را هدف اقدامات ناقضانه خود قرار دهد اما برای منحرف ساختن محاکم، اقدامات خود را عمداً متوجه آن کشور ننماید، محاکم آن کشور صالح خواهند بود.

اما یکی از فرضهای بسیار شایع در دعاوی نقض مالکیت فکری آن است که زیانهای ناشی از عمل زیانبار در کشورهای مختلف بروز کرده باشد. در اینجا این سوال اساسی مطرح است که آیا خواهان باید در کشورهای مختلف طرح دعوی کند یا همه خسارات را می‌تواند از دادگاه یک کشور مطالبه کند؟ پاسخ این پرسش را بندهای ۲ و ۳ ماده ۶ پیش نویس طی یک قاعده جالب ارائه می‌دهند که نسبت به کنوانسیونهای لاهه و بروکسل در بردارنده نوآوری مهمی است. طبق بند ۲، اگر دعوای نقض حق صرفاً بر این مبنا در دادگاه کشوری خاص طرح شده باشد که ناقض حق، آثار عمل نقض را عمداً به آن کشور هدایت کرده است (پاراگراف ب بند ۱ ماده ۶)، در این صورت دادگاه آن کشور تنها برای رسیدگی به خسارات وارد شده در همان کشور صالح به رسیدگی است نه کل خسارات مگر آنکه زیان دیده در آن کشور، اقامتگاه اصلی یا تجارتخانه داشته باشد. مشابه این مقرر در بند ۳ ماده ۶ نیز دیده می‌شود اما با این انتقاد روبروست که قسمت آخر بند ۲، در این بند نیامده است. بر اساس بند ۳، اگر دعوای نقض حق صرفاً بر این مبنا در دادگاه کشوری خاص طرح شده باشد که نقض حق، در آنجا روی داده یا می‌دهد (پاراگراف ج بند ۱ ماده ۶)، در این صورت دادگاه آن کشور نیز تنها برای رسیدگی به خسارات وارد شده در همان کشور صالح به رسیدگی است نه کل خسارات وارده.

از دیگر نوآوریهای پیش نویس کنوانسیون، بند ۴ ماده ۶ است که به تعیین دادگاه صالح در دعاوی نقض مالکیت فکری علیه ارائه دهندگان خدمات اینترنتی می‌پردازد. این دعاوی نیز تابع قواعد عمومی مذکور در فوق هستند با این حال، در بند مذکور، موارد معافیت این دسته از مسئولیت بیان شده است بدین ترتیب که اگر فعالیت ارائه دهنده صرفاً محدود به انتقال، مسیریابی یا برقراری ارتباط مطالب از طریق سیستم یا شبکه تحت کنترل یا اقدام ارائه دهنده خدمات باشد یا اگر

فعالیت صرفاً مربوط به ذخیره فوری یا موقت آن مطالب در جریان انتقال، مسیریابی یا برقراری ارتباط باشد و انتقال مطالب توسط شخصی غیر از ارائه دهنده آغاز یا هدایت شود و یا این فعالیتها بطور خودکار و بدون انتخاب مطالب از سوی ارائه دهنده صورت گیرد یا او دخالتی در انتخاب دریافت کننده نداشته باشد یا هیچ نسخه ای از مطالب در جریان ذخیره فوری یا موقتی صورت نگرفته باشد تا در اختیار شخص دیگری غیر از دریافت کنندگان قابل پیش بینی قرار گیرد، مسئولیتی متوجه ارائه دهنده نیست.

#### ۵- دادگاه صالح در فرض صدور آرای اعلامی<sup>۱</sup>

گاه شخصی بر روی یکی از موضوعات مضمول حقوق مالکیت فکری مانند اختراع دارویی سرمایه گذاری وسیعی انجام داده و فعالیت تجاری سودآور و اشتغال زایی را شروع کرده است. ممکن است پس از مدتی این خطر او را تهدید کند که دعوی نقض حق علیه او اقامه شود. وجود این احتمال همیشه این شخص را در نگرانی طرح دعوی از سوی دیگری قرار می دهد همچنین در برخی موارد، دادگاهی که خواهان در آن علیه سرمایه گذار اقامه دعوی کرده است، فوراً دستور موقت برای توقف فعالیتهای تجاری خوانده را صادر می کند که این امر می تواند زیانهای اقتصادی قابل توجهی را برای سرمایه گذار به همراه داشته باشد (Ritchei: 2007, 1&9).

تهیه کنندگان پیش نویس برای جلوگیری از این وضعیت، در بند ۱ ماده ۸ این امکان را فراهم کرده اند که اگر شخصی احتمال متعارف و قوی برای طرح دعوی نقض را از سوی دیگری می دهد، بتواند خود در دادگاهی طرح دعوی کرده و از دادگاه بخواهد تا با صدور رای مقتضی، اعلام دارد که هیچ نقض حقی صورت نگرفته است. وجود این قاعده حقوقی یعنی امکان صدور رای اعلامی دارای این اثر مفید اقتصادی است که اطمینان خاطر بیشتری به سرمایه گذار می دهد بعلاوه اگر شخصی علیه

<sup>1</sup> -Declaratory Judgments.

او دعوای نقض حق اقامه کرد، وی می‌تواند رای اعلامی را به عنوان یک دفاع محکم حقوقی در دادگاه ارائه دهد.

البته خواهان صدور رأی اعلامی مجاز نیست که در هر دادگاهی که منافع او را بهتر تأمین می‌کند، طرح دعوی نماید. مطابق بند ۲ ماده ۸، اگر موضوع رای اعلامی، اعلام بطلان یا بی اعتباری اختراع ثبت شده باشد، دادگاه کشور عضو محل ثبت یا کشور عضو محل تقدیم اظهارنامه یا دادگاه کشوری که مطابق شروط کنوانسیون‌های بین‌المللی، فرض می‌شود اظهارنامه به آنجا تقدیم شده یا ثبت در آنجا انجام شده است، برای رسیدگی به این دعوی صلاحیت انحصاری دارد بنابراین نمی‌توان دعوای صدور رای اعلامی را در دادگاه کشوری دیگر اقامه کرد.

#### ۶- دادگاه صالح در فرض دعوای متقابل<sup>۱</sup>

دعوای متقابل دعوایی است که از سوی خواننده دعوای اصلی علیه خواهان آن دعوی به منظور جلوگیری از محکومیت یا کاستن از میزان آن اقامه شده و با دعوای اصلی دارای منشا واحد یا ارتباط کامل باشد (شمس: ۱۳۸۰، ۵۰۱ به بعد). مزایای این دعوی متعدد است زیرا باعث می‌شود تا دو دعوی مرتبط با یکدیگر در یک دادگاه رسیدگی شود حتی اگر دعوای متقابل از حیث صلاحیت محلی، در صلاحیت دادگاه دیگر باشد لذا وقت کمتری برای رسیدگی به این دو دعوی صرف شده و از صدور آرای متشتت جلوگیری می‌شود ضمن آنکه طرفین می‌توانند تمام ادله و مدارک خود را در یک دادگاه حاضر کنند. این فواید باعث شده است تا پیش نویس کنوانسیون با در نظر گرفتن این امکان که خواننده دعوای مالکیت فکری ممکن است بخواهد تحت شرایطی دعوای متقابل را مطرح کند، به معیار تعیین دادگاه صالح بپردازد و به دادگاههای کشورهای عضو این اختیار را داده است تا به این دسته دعوای نیز رسیدگی کنند (Brand: 2002, 467-468). بند

<sup>1</sup> -Counter-Claims

۱ ماده ۹ مقرر می‌دارد: دادگاهی که طبق مقررات این کنوانسیون صلاحیت رسیدگی به یک دعوی را دارد، برای رسیدگی به کلیه دعاوی میان همان طرفین که ناشی از معامله یا مجموعه معاملات یا حادثه‌ای است که مبنای دعوی اصلی می‌باشد، نیز صلاحیت دارد صرفنظر از منشا سرزمینی حق موضوع دعوی و صرفنظر از اینکه کدام طرف دعوی، آن حق را ادعا می‌کند.

امکان طرح دعوی متقابل در دعاوی مالکیت فکری ممکن است باعث شود برخی اصحاب دعوی برای استفاده از مزایای کنوانسیون، دعاوی خارج از قلمرو این پیش‌نویس نیز تحت عنوان دعوی متقابل در ضمن دعوی اصلی طرح کنند تا قواعد کنوانسیون بر آن دعوی هم اعمال شود با این حال بند ۲ ماده ۹ از این سوءاستفاده ممانعت می‌کند و مقرر می‌دارد که اگر دعوی متقابل، ارتباطی به دعوی مالکیت فکری نداشته باشد، دادگاه‌های کشورهای عضو از این اختیار برخوردارند که آن را به عنوان دعوی متقابل نپذیرند.

## ۷- دادگاه صالح در فرض وجود خواندگان متعدد<sup>۱</sup>

گفتیم که پیش‌نویس کنوانسیون مالکیت فکری، قاعده عمومی را در تعیین دادگاه صالح، بر دادگاه محل اقامت خوانده دعوی قرار داده است (بند ۱ ماده ۳). اما گاه خواندگان دعوی متعددند و این سوال مطرح می‌شود که دعوی باید در کدام دادگاه طرح شود؟ برای مثال، دو تاجر که یکی مقیم ایران و دیگری مقیم آلمان هستند به کمک یک ارائه دهنده خدمات اینترنتی که مقیم هند است، حقوق صاحب یک علامت تجاری را در فضای الکترونیکی نقض می‌کنند و حال صاحب علامت با شناسایی ناقضان حق می‌خواهد علیه آنها طرح دعوی حقوقی کند. از بررسی قسمت‌های سه‌گانه بند ۱ ماده ۱۰<sup>۲</sup> می‌آید که جز در مواردی که طرفین قرارداد معتبری برای تعیین دادگاه صالح با

<sup>۱</sup> -Multiple Defendants.

<sup>۲</sup> -قاعده مقرر در این ماده، برگرفته از ماده ۱۴ پیش‌نویس کنوانسیون لاهه است.

یکدیگر منعقد کرده اند (بند ۲ ماده ۱۰)، خواهان می تواند اقامتگاه یکی از خواندگان را برای اقامه دعوی انتخاب کند، اما باید به دو شرط اساسی توجه نماید:

یک) وجود رابطه میان دعاوی و خطر صدور آرای متعارض: مطابق قسمت الف بند ۱ این ماده، اگر ابتدا دعوی علیه یکی از خواندگان طرح شده و حال خواهان می خواهد دعاوی کاملاً مرتبط با دعوی اول را علیه سایر خواندگان اقامه نماید در این حالت، چون خطر صدور آرای متعارض وجود دارد، سایر دعاوی را نیز می توان در همان دادگاه اول طرح کرد حتی اگر سایر خواندگان در آن محل اقامت نداشته باشند.

دو) وجود رابطه میان دادگاه اقامتگاه یکی از خواندگان با موضوع دعوی: این رابطه خود شامل دو فرض می شود: ۱- طبق قسمت ب بند ۱ ماده ۱۰: برای اینکه دادگاه بتواند به یک دعوا علیه خواننده ای که در آن کشور اقامت معمول ندارد رسیدگی کند باید یک ارتباط ماهوی میان حقوق مالکیت فکری آن کشور و دعوی که با آن خواننده مرتبط است وجود داشته باشد. ۲- طبق قسمت ج بند ۱ ماده ۱۰: اگر دادگاهی که بدو رسیدگی را آغاز نموده است نسبت به دادگاه کشورهایی که خواننده های دیگر در آنها اقامت دارند ارتباط نزدیک تری با کل اختلاف داشته باشد و امکان رسیدگی به کل دعوی در دادگاه دیگری وجود نداشته باشد، آن دادگاه صلاحیت رسیدگی به دعوا علیه خواندگان دیگر را نیز خواهد داشت.

#### ۸- دادگاه صالح در فرض دعوی خواننده علیه شخص ثالث:

گاه در برخی دعاوی مالکیت فکری، خواننده زمانی که احساس می کند که در پرونده ای در حال محکوم شدن است می خواهد دعوی علیه شخص ثالث طرح کند تا خسارتی را که او باید به

<sup>1</sup> - Closely Connected.

<sup>2</sup> - Inconsistent Judgments.



خواهان دعوی بپردازد، از شخص ثالث مطالبه کرده یا شخص ثالث را نیز سهیم کند. فرض کنید که صاحب یک سر تجاری، علیه شخصی طرح دعوی کرده و دادگاه با احراز افشا شدن غیرمجاز سر توسط خوانده، در صدد الزام او به جبران خسارت به مبلغ ده هزار دلار است. در این زمان خوانده می‌تواند دعوایی علیه ارائه دهنده خدمات اینترنتی طرح کند و با آوردن دلایل متقن و اثبات اینکه ارائه دهنده نیز افشای سر را تسهیل ساخته است، بخشی از جبران خسارت را بر دوش او بگذارد. در این حالت، دادگاه رسیدگی کننده به دعوای اصلی، صلاحیت رسیدگی به دعوای خوانده علیه شخص ثالث را نیز دارا خواهد بود، مشروط بر اینکه طرح چنین دعوایی در آن دادگاه معقول باشد.

#### ۹- دادگاه صالح در فرض ادغام دعوای مطروحه<sup>۱</sup>

در صورتی که قبلاً میان خواهان و خوانده دعوی نقض مالکیت فکری، دعوایی در دادگاه یک کشور عضو اقامه شده و رسیدگی بدان در جریان باشد، اگر دعوایی میان همان طرفین دعوی اقامه شود و پرونده در دادگاه دیگری طرح شود، دادگاه دوم، پرونده را به دادگاه اول احاله داده تا با ادغام دعوای مطروحه، طرفین دعوی و نظام قضایی از مزایای آن برخوردار شوند.

ماده ۱۲ پیش نویس کنوانسیون، در این موارد، اصل را بر اولویت رسیدگی دادگاه اول قرار داده است اما امکان اثبات خلاف را نیز مقرر داشته است. در مواردی که طرفین دو دعوی مشابه بوده و دعوای ناشی از حقوق مالکیت فکری قلمرو یک کشور واحد باشد و اختلافات از معامله واحد یا مجموعه معاملات یا رویداد واحد ناشی شده باشد، ادغام اجباری است (بند ۱ ماده ۱۲) مگر آنکه طرفین در خصوص دعوای دوم، قرارداد معتبری مبنی بر انتخاب دادگاه دیگر منعقد ساخته باشند (بند ۲ ماده ۱۲) همچنین در صورتی که خواهان در دعوای اول، از طی کردن تشریفات قانونی برای شروع و ادامه رسیدگی کوتاهی کرده باشد یا دادگاه در مهلت مقرر قانونی رای صادر نکرده باشد، دادگاه دوم

<sup>1</sup> - Lis Pendens

می تواند بنا به تقاضای یکی از طرفین، رسیدگی به دعوی را شروع کند و نیازی به ادغام نیست (بند ۴ ماده ۱۲).

مسئله ای که باید در این قسمت به آن توجه شود این است که اگر دعوایی در دعوی دیگر ادغام گردد و دادگاه به رسیدگی اقدام ورزیده و رای صادر کند اما برغم این ادغام، آرای دیگری از سایر دادگاهها صادر شده است، آن آرا قابلیت اجرا نخواهند داشت با این حال اگر دعوایی که باید ادغام می شد به هر دلیلی ادغام نشد، رای صادره معتبر و قابل اجرا خواهد بود ( Germa and Tonny: 2010, 10 and seq).

#### ۱۰- دادگاه صالح در فرض عدم اعتراض یا عدم حضور خواننده:

در نگاه اول شاید چنین بنظر برسد که عدم اعتراض یا حضور خواننده نمی تواند به عنوان یک معیار، در تعیین دادگاه صالح موثر باشد؛<sup>۱</sup> با این حال، پیش نویس کنوانسیون با اختصاص دو ماده به این موضوع بویژه ماده ۵، توجه ها را به خود جلب می کند. ماده ۵، خود سه موقعیت متفاوت را در نظر گرفته است: موقعیت اول این است که خواننده در جلسه دادگاه حاضر می شود اما اعتراضی به صلاحیت دادگاه نمی کند. به موجب ماده مورد اشاره، در صورتی که خواننده بدون اینکه اعتراضی به صلاحیت کند وارد ماهیت دعوی گردد (بند ۱) و یا اعتراض او خارج از مهلت مقرر یعنی اولین جلسه رسیدگی به ماهیت دعوی صورت پذیرد (مفهوم مخالف بند ۲ ماده)، به معنی پذیرفتن صلاحیت دادگاه است. در چنین شرایطی اگر مقررات دیگر کنوانسیون نیز رعایت شده باشند، رأی صادر شده قابل اجرا می باشد.

<sup>۱</sup> - یکی از تفاوت‌های پیش نویس کنوانسیون با پیش نویس کنوانسیون لاهه در این است که برخلاف ماده ۲۷ پیش نویس لاهه، حضور خواننده دعوی در جلسه رسیدگی بدون اعتراض به رای می تواند از جمله مبانی تعیین صلاحیت دادگاه باشد.

موقعیت دوم حالتی است که خواننده در دادگاه حاضر شده و در مهلت، به صلاحیت دادگاه اعتراض می‌کند (بند ۲). این بند به دادگاهی که اجرای حکم را به عهده دارد اختیار بررسی مجدد مسئله صلاحیت را می‌دهد. از آنجا که صلاحیت داشتن دادگاه، برای عادلانه محسوب شدن و پذیرش عمومی اجرای بین‌المللی رأی ضروری است، باید نهایت تلاش صورت گیرد تا تصمیمات صحیحی در مورد صلاحیتی که به آن اعتراض شده است، گرفته شود. بررسی مجدد توسط دادگاه دیگر میزان دقت را بالا می‌برد زیرا در این حالت، دادگاه اول که می‌خواهد رأی او قابلیت اجرا داشته باشد رسیدگی را با دقت بیشتر انجام می‌دهد و آرای مستدلتر و محکم‌تری صادر خواهد کرد. علاوه بر این، بررسی دوباره موجب افزایش تعامل میان دو دادگاه صادر و اجراکننده رأی و در نتیجه شکل‌گیری سریع‌تر رویه قضایی ملی در زمینه صلاحیت می‌گردد و این امر می‌تواند اثربخشی کنوانسیون پس از اجرایی شدن را برجسته‌تر سازد (Dreyfuss and Ginsburg, op.cit, 1106).

موقعیت سوم این است که خواننده اساساً در دادگاه حاضر نشود. در این حالت، ماده ۵ پیش‌نویس کنوانسیون به دادگاه‌ها اجازه صدور حکم غیابی را داده است فلسفه این امر نیز آن است که سرباز زدن خواننده از حضور در دادگاه، مانع حل و فصل اختلافات نشود. اما رأی غیابی تنها در صورتی صادر می‌شود که دادگاه طبق بند ۱ ماده ۱۸ احراز کند که اسناد و مدارک دعوی در زمان مقرر به خواننده ابلاغ شده و او با وجود ابلاغ در جلسه حاضر نشده است.

#### ۱۱- دادگاه صالح در فرض اتخاذ اقدامات تأمینی و حمایتی<sup>۱</sup>

در دعاوی مرتبط با مالکیت فکری خصوصاً دعاوی نقض حق، قرارهای موقتی و تأمینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. ماده ۱۹ کنوانسیون در قالب سه بند، معیار تعیین دادگاه صالح را مشخص

<sup>1</sup> - Provisional and Protective Measures.

کرده است. بر اساس بند یک این ماده، دادگاهی که طبق مقررات این کنوانسیون، صلاحیت رسیدگی به ماهیت دعوی را دارد، برای صدور قرارهای تامینی و حمایتی از جمله قرارهای مرزی<sup>۱</sup> صالح است.

این حکم کلی در بند ۲، تخصیص خورده است. بر اساس این بند، اگر مال فکری یا مادی در کشوری خاص قرار داشته باشد، دادگاه کشور محل وقوع مال برای صدور این قرارها صالح است. از مفاد این بند بر می آید که حتی اگر دادگاه دیگری صلاحیت رسیدگی به ماهیت دعوی را داشته باشد اما مال در محل دیگری باشد، دادگاه محل وقوع مال، برای صدور قرار تامینی و موقتی صالح است. علت این تخصیص نیز آن است که قرارهای تامینی و حمایتی ضمن آنکه باید سریعاً صادر شوند باید سرعت نیز اجرا شوند، لذا بهترین دادگاه برای صدور و اجرای قرار، دادگاه محل وقوع مال است.

بند ۳ ماده مورد بحث ناظر به جایی است که برای حفظ دلایل، مبنا و اساس دعوای طرح شده از سوی متقاضی، لازم است تا قرار تامینی صادر شده و آن مبانی و ادله از بین نروند تا متقاضی بتواند بعدها در جریان دعوی آن را ارائه کرده و بدانها استناد جوید. در این حالت، دادگاه محل وقوع ادله و مبانی دعوی، در صورت تقاضای متقاضی صلاحیت صدور قرار را خواهد داشت مشروط بر آنکه دایره اجرای قرار، محدود به مرزهای همان کشور باشد.

### فصل دوم) معیارهای غیرمجاز برای تعیین صلاحیت محاکم

آنچه تاکنون بیان شد، معیارهای مجاز تعیین صلاحیت بود اما در این قسمت به معیارهایی که نمی توانند در تعیین دادگاه صالح مورد استناد قرار گیرند پرداخته می شود. ماده ۱۶ پیش نویس

---

<sup>1</sup>-Trans-Border Injunctions

این دسته قرارها از آنجا در مرزهای کشور اعمال می شود به قرارهای مرزی موسوم شده اند. قرارهای توقیف کالا در مرز یا تعلیق ترخیص از معروفترین آنهاست.

کنوانسیون مواردی را که نمی‌توانند مبنای صلاحیت قرار گیرند بر شمرده است. اغلب مواردی که در این کنوانسیون به عنوان مبانی غیر مجاز صلاحیت ذکر شده اند از پیش نویس کنوانسیون لاهه (۱۹۹۹) بر گرفته شده اند. اما این کنوانسیون در قسمت‌های (الف) و (ب) بند اول ماده ۱۶ با تمیز بین اموال مادی و اموال فکری، یکی از مبانی غیر مجاز صلاحیت کنوانسیون لاهه را تغییر داده است. به موجب این دو قسمت، صرف وقوع یا ضبط اموال مادی یا فکری مربوط به خوانده در یک کشور نمی‌تواند مبنای اعطای صلاحیت به دادگاه‌های آن کشور باشد، مگر در مواردی که اختلاف مستقیماً با آن مال مرتبط باشد. اموال مادی که مستقیماً با یک دعوای نقض حق ارتباط دارند شامل کالاهای نقض کننده همچون کتاب‌هایی که بدون مجوز چاپ شده اند، فونوگرام یا ویدئو‌هایی که بدون مجوز منتشر شده اند یا کالاهای تقلبی مانند ساعت‌هایی که علامت تجاری جعلی بر آنها قرار دارد، می‌شوند. همچنین اموال مادی مرتبط می‌تواند شامل وسایل فیزیکی استفاده شده برای تهیه کالاها یا نسخه‌های غیر قانونی مانند سخت افزار رایانه‌ای، تجهیزات ضبط صوت و دستگاه‌های دیگر شود. انواع وسایل فیزیکی که وقوع آنها در یک کشور برای اعطای صلاحیت رسیدگی به آن کشور کفایت می‌کند، معمولاً انواعی هستند که دادگاه‌ها اختیار توقیف یا تخریب آنها را به عنوان جبران خسارت (تأمین) در یک دعوای نقض حق دارند.

علاوه بر مورد بالا، صلاحیت دادگاه را نمی‌توان صرفاً بر اساس تابعیت خواهان یا خوانده، اقامتگاه یا سکونتگاه دائمی یا موقتی خواهان یا حضور او در آن کشور، اجرای فعالیت‌های تجاری خوانده در آن کشور (جز در مواردی که دعوی مستقیماً مرتبط با آن فعالیت باشد)، حضور یا سکونت موقت خوانده در یک کشور و یا امضای قرارداد منشا اختلاف در کشور خاص تعیین کرد.

نکته قابل توجه اینکه حکم مقرر در این ماده، بدون ضمانت اجرا نمانده است بنابراین در صورتی که دادگاه یکی از کشورهای عضو، بر اساس یکی از این مبانی غیرمجاز، خود را صالح به رسیدگی

دانسته و حکمی صادر کند، می‌توان از اجرای این رای خودداری کرد که مباحث تفصیلی تر پیرامون آن را در بخش سوم تبیین خواهیم کرد.

### بخش سوم- قواعد ناظر به شناسایی و اجرای آرای خارجی مالکیت فکری

وقتی سخن از دعاوی بین‌المللی به میان می‌آید، حل کردن مقوله تعارض قوانین و تعارض در صلاحیت محاکم، تنها مساله اول است و پس از آن باید موضوع مهم و حساس دیگری نیز حل و فصل کرد و آن، بحث شناسایی و اجرای آرای خارجی در کشور دیگر است زیرا اگر رای صادره از دادگاه خارجی، شناسایی و اجرا نشود، اصحاب دعوی دلیلی برای طرح دعوی و پیگیری جریان رسیدگی ندارند همچنین اگر قرار باشد رای صادره، در دادگاه کشور محل اجرا مورد بررسی ماهوی مجدد قرار گیرد، خواهان از همان ابتدا دعوی را در دادگاه کشور محل اجرا طرح می‌کرد تا زمان کمتری از او تلف شود. پیش‌نویس مزبور در این زمینه موادی را پشت سر هم و بدون نظم خاصی ذکر می‌کند که ما در این بخش از مقاله ضمن دسته‌بندی آنها، مهمترین مواد این فصل کنوانسیون را در قالب فصل زیر تبیین و تحلیل خواهیم کرد:

#### فصل نخست) شرایط آرای قابل شناسایی و اجرا

پیش‌نویس کنوانسیون، ماده ۲۳ خود را به بر شماری شرایط آرای خارجی قابل شناسایی و اجرا اختصاص داده است. نخستین شرط این است که دادگاه صادر کننده باید در رای خود اعلام کند که این رای در قلمرو مقررات کنوانسیون مالکیت فکری قرار می‌گیرد تا رایی طبق مقررات این فصل از کنوانسیون قابل شناسایی و اجرا باشد. این شرط در متن اولیه نبود اما در اصلاحات بعدی اضافه شد زیرا کنوانسیون به دادگاههای کشورهای عضو اجازه رسیدگی به موضوعات خارج از قلمرو کنوانسیون را در شرایط خاصی می‌دهد بدین ترتیب که در برخی موارد دادگاهی که به دعوی مالکیت فکری رسیدگی می‌کند ممکن است ناگزیر باشد طبق قاعده ادغام دعاوی، به دعوی دیگر که جزو قلمرو

کنوانسیون نیست اما با دعوای اصلی مرتبط است رسیدگی کند برای مثال ممکن است در یک دعوای نقض مالکیت ادبی و هنری، دادگاه مجبور باشد به دعوای راجع به بطلان قراردادی دیگر که تصمیم در خصوص آن در اصل دعوی موثر است، رسیدگی کند بی آنکه این قرارداد در چارچوب مقررات و قلمرو کنوانسیون بگنجد. این مشکلات باعث شد تا در اصلاحات بعدی، این شرط اضافه گردد (Dreyfuss and Ginsburg, 2002, 1085).

اما شرط دوم آن است که برای شناسایی یک رای در کشور محل اجرا، باید آن رای در کشور صادرکننده رای نیز قابل شناسایی باشد همچنین طبق شرط سوم، برای قابلیت اجرای یک رای در کشور محل اجرا، باید آن رای در کشور صادرکننده رای نیز قابلیت اجرا داشته باشد. بر اساس شرط چهارم، اگر رای در کشور صادرکننده، در مرحله تجدیدنظر بوده یا مهلت تقاضای تجدیدنظر هنوز باقی است، اجرای رای در کشور اجراکننده می تواند به تاخیر بیفتد زیرا ممکن است پس از اجرای رای، مفاد تصمیم دادگاه بدوی در دادگاه تجدیدنظر نقض شده و امکان بازگشت بخشی از رای اجرا شده به وضع سابق میسر نباشد. و بالاخره بر اساس شرط آخر، اثر رای در کشور محل اجرا بیش از اثر آن در کشور صادرکننده رای نخواهد بود.

## فصل دوم) آرای غیرقابل شناسایی و اجرا

هرچند ماده ۲۴ پیش نویس کنوانسیون در ماده ای تحت عنوان «آرای غیرقابل شناسایی و اجرا»، تنها یک دسته آرای غیرقابل شناسایی و اجرا را ذکر کرده است اما با بررسی سایر مواد این پیش نویس می توان دریافت که آرای که از منظر مقررات این کنوانسیون قابل شناسایی و اجرا نیستند، سه دسته کلی را تشکیل می دهند:

یک) آرای مستثنی شده از قلمرو کنوانسیون: این آرا در ماده ۲۲ بیان شده اند. طبق این ماده، آرای صادره از سوی دادگاههایی که طبق قوانین ملی کشورها صالح به رسیدگی شناخته شده اند نه معیارهای کنوانسیون، از شمول مقررات فصل سوم آن استثنای شده اند؛ فلسفه این ماده نیز لزوم رعایت اصل نزاکت در عرصه حقوق بین الملل عمومی است.

دو) آرای مغایر با برخی مواد کنوانسیون: مطابق ماده ۲۴ پیش نویس کنوانسیون، دادگاهها نباید آرای مغایر با مواد ۴ (رای که بر خلاف توافق قراردادی تعیین دادگاه صالح صادر شده است)، ماده ۵ (رای که در آن حقوق خوانده از جمله حق اعتراض به صلاحیت دادگاه رعایت نشده است)، ماده ۷ (رای مغایر توافق قراردادی حاوی حقوق مالکیت فکری) و ماده ۸ (رای مغایر با موازین مقرر در مورد آرای اعلامی) و نیز آرای در آن صلاحیت دادگاه صادرکننده بر اساس معیارهای غیرمجاز مذکور در ماده ۱۶ تعیین شده است، شناسایی و اجرا کنند.

سه) مواردی که دادگاه اجراکننده می تواند به استناد آن ها، شناسایی و اجرای رای را رد کند: این موارد بتفصیل در ماده ۲۵ ذکر شده اند. این موارد عبارتند از:

۱- اگر دادگاه صادرکننده طبق ماده ۱۲ مکلف به تعلیق رسیدگی یا طبق ماده ۱۳ ملزم به ادغام دعاوی مرتبط میان همان طرفین دعوی با همان موضوع بوده و از این کار خودداری کرده باشد، دادگاه اجراکننده می تواند از شناسایی و اجرای رای امتناع ورزد (پاراگراف الف بند ۱ ماده ۲۵). فلسفه وضع این ضمانت اجرا آن است تا از این طریق دادگاهها را به ادغام یا تعلیق دعاوی تشویق و بنوعی ملزم سازد (Dreyfuss: 2001, 1181).

۲- در مواردی که رای صادره از سوی دادگاه، با رای صادره همان دادگاه در پرونده مرتبط یا در دعاوی ای که با هم ادغام شده اند، در تعارض باشند (پاراگراف ب بند ۱ ماده ۲۵).



۳- در صورتی که اسناد و مدارک اصلی دعوی که ادعای خواهان بر آن مبتنی است در زمان مقرر یا بگونه ای که زمینه دفاع را برای خوانده فراهم سازد، به خوانده ابلاغ نشده باشد (پاراگراف ج بند ۱ ماده ۲۵).

۴- در مواردی که در یک قرارداد الحاقی، دادگاهی با معیارهای نامتعارف مذکور در ماده ۴-۳ تعیین شده باشد یعنی دادگاهی که با موضوع و اصحاب دعوی هیچ رابطه معقولی ندارد. فلسفه این مقرر نیز آن است که اصحاب دعوی را به تنظیم قراردادهای عادلانه و درج شروط متعارف تعیین دادگاه صالح ترغیب کند (پاراگراف د بند ۱ ماده ۲۵) (Lucas: op.cit., 21 and 33).

۵- در صورتی که دادگاه اجراکننده دریابد که اصول دادرسی عادلانه نظیر رعایت بی طرفی در رسیدگی و وجود حق دفاع برای خوانده، رعایت نشده باشد (پاراگراف ه بند ۱ ماده ۲۵).

۶- در مواردی که رای صادره از طریق تقلب در جریان دادرسی به دست آمده باشد (پاراگراف و بند ۱ ماده ۲۵).

۷- در مواردی که رای صادره با نظم عمومی دادگاه محل اجرای رای مغایرت آشکار داشته باشد (پاراگراف ز بند ۱ ماده ۲۵). این مقرر از آن حیث دارای اهمیت است که بسیاری از آرای مالکیت فکری در جامعه دارای آثار قابل توجه اقتصادی حقوق بشری فرهنگی و ... دارد. برای نمونه در صورتی که رای صادره حاوی اعطای انحصار شدید به صاحب مالکیت ادبی و هنری بوده بگونه ای که آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات را به عنوان دو حق مسلم بشری به خطر اندازد یا در مواردی که اجرای رای صادره در خصوص حمایت از اختراع دارویی، سلامت و بهداشت عمومی جامعه را به خطر اندازد، دادگاه می تواند به استناد مغایرت رای صادره با نظم عمومی اش، از شناسایی و اجرای آن خودداری ورزد.

در خصوص پاراگراف فوق ذکر دو نکته قابل توجه و مفید است: اول آنکه وجود این مقررہ برای کشورهای در حال توسعه فرصت مناسبی است تا از اجرای برخی آرای مغیار با نیازهای توسعه شان خودداری ورزند خصوصاً آنکه قید مغایرت با نظم عمومی، قیدی مبهم و قابل تفسیر است و می توان از این ابهام در مواقع مقتضی استفاده کرد؛ دوم آنکه مفهوم نظم عمومی در دعاوی بین المللی با دعاوی داخلی متفاوت بوده و قلمرو محدودتری دارد بدین ترتیب که در دعاوی داخلی، نظم عمومی شامل هر رای مخالف قواعد آمره می شود در حالی که در دعاوی بین المللی برای کمک به شناسایی و اجرای آرای بیشتر، مصادیق نظم عمومی کمتر بوده و تنها مواردی که اصول و قواعد بنیادین و مسلم یک نظام حقوقی مخدوش می شود، بحث مغایرت با نظم عمومی مطرح می گردد (صادقی: ۱۳۸۴، ۶۴ به بعد) از این روست که در پاراگراف مورد بحث صراحتاً از قید مغایرت آشکار استفاده شده است نه هر مغایرتی.

۸- در مواردی که دادگاه صادرکننده رای قانون حاکم بر دعوی را دلبخواهانه و بدون دلیل محکمی برگزیده و بین دعوی و قانون حاکم رابطه متعارفی وجود نداشته باشد (پاراگراف ح بند ۱ ماده ۲۵). آخرین نکته در خصوص عدم شناسایی و اجرای آرا آن است که هرچند دادگاه اجراکننده رای ناگزیر است تا برای احراز یکی از موارد فوق، پرونده و شرایط آن مورد بررسی دقیق قرار دهد اما این امر مجوزی برای بررسی دوباره ماهیت پرونده نیست.

### فصل سوم) قابلیت شناسایی و اجرای آرای راجع به جبران خسارت

از آنجا که جبران خسارت یکی از شایع ترین ضمانت اجراها در حوزه دعاوی نقض مالکیت فکری است و با عنایت به اینکه مقررات ماهوی کشورها در زمینه دایره خسارات قابل جبران، با یکدیگر تفاوت اساسی دارد لذا تهیه کنندگان پیش نویس کنوانسیون، در فصل راجع به شناسایی و اجرای آرای خارجی، دو ماده مستقل (مواد ۳۰ و ۳۱) را به جبران خسارت اختصاص داده اند. در ماده ۳۰،

فروض مختلفی برای شناسایی و اجرای آرای حاوی جبران خسارت ناشی از نقض مالکیت فکری پیش بینی شده است. تهیه کنندگان، هدف خود را از ذکر این موارد مختلف، جمع کردن میان قواعد ماهوی کشورهای عضو و نزدیک کردن قواعد جبران خسارت در کشورهای صادر و اجراکننده رای بیان کرده اند (Dreyfuss and Ginsburg, op.cit., 1147 and 1148). با مطالعه ماده می توان دو فرض متفاوت را از یکدیگر تفکیک کرد:

یک) اگر نوع خاصی از خسارت مانند خسارتهای جبرانی<sup>۱</sup> در رای دادگاه کشور صادر کننده مندرج شده و آن نوع خسارت در قوانین دادگاه کشور اجراکننده نیز وجود داشته باشد یعنی دادگاه کشور اجراکننده نیز در اوضاع و احوال مشابه، به همین نوع خسارت یا به همین میزان رای صادر می کنند، دادگاه کشور اجراکننده مکلف به شناسایی و اجرای رای است. همچنین اگر در قوانین دادگاه اجراکننده، در اوضاع و احوال مشابه، به آن نوع خسارت رای داده می شود و او رای را شناسایی کند نمی تواند میزان خسارت را کاهش دهد یعنی رای را تا میزان مشخصی شناسایی نماید (پاراگراف ب بند ۲) با این حال اگر دادگاه اجراکننده دریابد که خواهان برای آن میزان ضرر واقعی وارد شده، دلیل ارائه نکرده (قسمت اخیر بند ۱) و یا خوانده اثبات کند که دادگاه صادرکننده فراتر از میزان ضرر واقعی رای داده، دادگاه اجراکننده می تواند میزان خسارت را تقلیل دهد یعنی اختیار کاهش به دادگاه داده شده ولی اجباری در کاهش ندارد (پاراگراف الف بند ۲).

دو) اگر نوع خسارت خاصی که در رای دادگاه صادرکننده درج شده است، در حقوق کشور محل اجرای رای شناسایی نشده باشد برای مثال قاضی دادگاه صادرکننده، به خسارت تنبیهی<sup>۳</sup> رای داده

---

1 - Compensatory Damages.

2 - Actual Damages.

3 - Punitive Damages

باشد و دادگاه‌های کشور محل اجرای رای، چنین خسارتی را در موارد مشابه به رسمیت نشناسند، الزامی به شناسایی و اجرای آن رای نخواهند داشت (مفهوم مخالف بند ۱)

اما حکم مقرر در ماده ۳۱ ناظر به موردی است که رای صادره با نظم عمومی کشور محل اجرا مغایر است اما دادگاه اجراکننده می‌تواند در شرایط خاص، با رای به جبران خسارت، هم نقض کننده را تنبیه کند و هم رای بدون اجرا باقی نماند. از این رو شاید بتوان این شیوه را شناسایی و اجرای جایگزین رای نامید. با این حال اعمال این راهکار مطلق نبوده و مقید به برخی شرایط است که عبارتند از: ۱- راهکار جایگزین، باید در کشور محل اجرای رای، راهکاری موثر به شمار آید بگونه‌ای که منافع صاحب حق و نیز منافع عمومی را بخوبی تامین کند؛ ۲- راهکار جایگزین باید در کشور صادرکننده رای معتبر باشد از این رو بند ۲ ماده ۳۱ پیش نویس مقرر می‌دارد که اگر هنجارها و قواعد داخلی کشور صادرکننده، دستور موقت را در آن شرایط نپذیرد، در این حالت، دادگاه کشور اجراکننده رای باید خسارت جبرانی را شناسایی و اجرا کند نه آنکه دستور موقت را جایگزین سازد.

### نتیجه گیری و پیشنهاد

از آنچه در این مقاله آمد، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱- پیچیدگی‌های فنی ناشی از تعارض قوانین و تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی بین المللی، گاه مانع بسیار بزرگی در احقاق حق صاحبان حقوق و سرمایه گذاری خارجی و فعالیت های تجاری بین المللی محسوب می‌شود زیرا برای صاحبان حق، رسیدگی سریع به دعوی از اهمیت فراوانی برخوردار است. پیرو این اهمیت، سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو) اخیراً پیش نویس کنوانسیون را آماده ساخته و در آن قواعد متحدالشکلی را برای تعیین دادگاه صالح در فروض مختلف مالکیت فکری مقرر داشته است تا از این طریق، نظامهای حقوقی مختلف به یکدیگر نزدیک

تر شوند. این هدف، بسیار مفید و قابل توجه است و می‌تواند زمینه را برای گسترش بیشتر مالکیت فکری و حمایت شایسته تر از حقوق مزبور در جهان فراهم سازد.

۲- در زمینه تعیین دادگاه صالح در دعاوی مالکیت فکری، پیش نویس کنوانسیون لاهه و کنوانسیون برکسل دو نیز در مواد پراکنده ای به بحث مالکیت فکری پرداخته اند اما به دلایل مطرح در مقاله از جمله نارساییهای دو کنوانسیون مذکور، تهیه یک سند تخصصی در حوزه حقوق بین الملل خصوصی و مالکیت فکری ضروری بوده است.

۳- هرچند پیش نویس مورد بحث از پیش نویس کنوانسیون لاهه اقتباس شده است اما نسبت به آن حاوی نوآوریهای قابل توجهی است بخصوص آنکه برای انطباق مالکیت فکری با نیازهای روز، مقرراتی نیز در زمینه محیط اینترنتی پیش بینی کرده است. بی گمان این توجه باعث خواهد شد تا زمینه برای تصویب و لازم الاجرا شدن این پیش نویس فراهم تر شود.

۴- نزدیک سازی قواعد حل تعارض نظامهای گوناگون حقوقی در حوزه های مختلف مورد توجه قانونگذار کشورهای مختلف قرار گرفته است این رویکرد که از مدتی پیش مورد توجه قانونگذار ما نیز قرار گرفته است در حوزه های متعدد نظیر قانون تجارت الکترونیکی و قانون داوری تجاری بین المللی به منصفه ظهور رسیده است با این حال در زمینه مالکیت فکری نیز این سیاست مناسب و ضروری نیز باید مورد عنایت جدی واقع شود زیرا یکی از ابزارهای حقوقی موثر و قابل اتکا برای انتقال فناوری و سرمایه گذاری خارجی در کشور ما وجود قوانین حل تعارض متحدالشکل با اکثر کشورهای سرمایه گذار و سرمایه پذیر است. بی تردید این سند با وجود برخی انتقادات وارد بر آن، می‌تواند الگویی مناسب برای قانونگذار ما قرار گیرد با این حال چون ایران عضو وایپو بوده و در نقد و بررسی مفاد این پیش نویس می‌تواند اثر گذار باشد خصوصاً در زمینه هایی که منافع توسعه ای کشور اقتضا می‌کند- و در حین مقاله نیز به برخی از آنها اشاره شد- بنابراین توجه به مفاد پیش

نویس ضروری است همچنین بررسی موارد مغایر مقررات ایران با معیارهای مندرج در این پیش نویس که به احتمال قوی به استاندارد بین المللی در این حوزه بدل خواهد گردید، می تواند حاوی منافع علمی و عملی غیرقابل انکار باشد؛ موضوعی که در مقاله بعدی بتفصیل بدان خواهیم پرداخت.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی:

- ۱- الماسی نجادعلی، (۱۳۸۳) حقوق بین الملل خصوصی، تهران: نشر میزان.
- ۲- انصاری باقر، (۱۳۸۲) مقدمه ای بر مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۲، زمستان.
- ۳- جنیدی لعیان، (۱۳۸۰)، شناسایی و اجرای آرای داوری بازرگانی بین المللی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- شمس عبادا...، (۱۳۸۰)، آیین دادرسی مدنی، جلد ۱، تهران: نشر میزان.
- ۵- صادقی محسن، (۱۳۸۶a) "بررسی نامهای دامنه از منظر حقوق مالکیت فکری با نگاهی به حقوق ایران"، مجله تخصصی فقه و حقوق، شماره ۱۳، تابستان.
- ۶- صادقی محسن، (۱۳۸۶b)، حمایت از حقوق مالکیت فکری در محیط اینترنتی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ۷- صادقی محسن، (۱۳۸۴)، مفهوم و اعمال نظم عمومی در مراجع قضایی و شبه قضایی و جلوه های نوین آن، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۴، تابستان.

۸- صادقی محسن، (۱۳۸۶). "مطالعه تطبیقی تعیین مرجع صالح رسیدگی به دعاوی حقوقی نقض اسرار تجاری در فضای دیجیتالی"، مجله حقوق تطبیقی موسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، شماره ۳.

۹- غفاری فارسانی بهنام، (۱۳۸۸)، مفهوم مصرف کننده و تبیین حقوق بنیادین او، طرح انجام شده در موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

۱۰- کاتوزیان ناصر، (۱۳۸۰)، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱، چاپ پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۱۱- کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی نیویورک-۱۹۵۸، (۱۳۷۰)، ترجمه دفتر خدمات حقوقی بین المللی، مجله حقوقی، شماره چهاردهم، بهار و تابستان.

۱۲- مهدوی پور محمدباقر، (۱۳۸۴)، بررسی ماهیت حقوقی حق امتیاز شرینگ رپ، مجموعه مقاله های همایش بررسی جنبه های حقوقی فناوری اطلاعات، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه با همکاری شورای عالی اطلاع رسانی کشور، قم: نشر سلسبیل.

#### ب) منابع انگلیسی و فرانسوی:

13- Ronald A. Brand, Intellectual Property, (2000), Electronic Commerce and the Preliminary Draft Hague Convention on Jurisdiction and Foreign Judgments in Civil and Commercial Matters, in: Rethinking Int'l Intellectual Property no.6, (CASRIP Publication Series).

14- Brand Ronald A., (2002), "Comparative Forum Non Convenient and the Hague Judgments Convention", Texas International Law Journal, Vol.3.



15-Christie Andrew F., (2002), "The ICANN Domain Name Dispute Resolution System as a Model for Resolving Other Intellectual Property Disputes on the Internet", Journal of World Intellectual Property, Vol.5, No.1, Jan.

16-Conventions.coe.int/Treaty/en/Treaties/Html/185.htm; last visited: 05/03/2011.

17-Drexl Josef and Kur Annette, (2005), Intellectual Property and Private International Law- Heading for the Future, (Oxford and Portland, Oregon: Hart Publishing).

18-Dreyfuss Rochelle Cooper, (2001), "An Alert to the Intellectual Property Bar: the Hague Judgments Convention", University of Illinois Law Review, No.1.

19-Dreyfuss Rochelle C. and Ginsburg Jane C., (2002), "Draft Convention on Jurisdiction and Recognition of Judgment in Intellectual Property Matters", Chicago-Kent Law Review, Vol. 77, No. 1065.

20-Dreyfuss Rochelle C. and Jane Ginsburg C., (2001), Draft Convention on Jurisdiction and Recognition of Judgment in Intellectual Property Matters, WIPO Forum on Private International Law and Intellectual Property, Geneva, January 30 and 31.

21-Germa Marieke and Driessen Tonny, (2010), International Jurisdiction and Recognition and Enforcement of Foreign Judgments in Intellectual Property Cases, Submitted for the seminar International and Comparative Protection of Intellectual Property.

22-Helfer Laurence R. and Dinwoodie Graeme B., (2001), "Designing non-National Systems: the Case of the Uniform Domain Name Dispute Resolution Policy", William and Mary Law Review, Vol. 43, No.141.

23-Lucas André, (2001), Aspects de droit international privé de la protection D'Œuvres D'objets de droits connexes transmit par réseaux numériques mondiaux, Colloque de L'OMPI sur le droit privé international et la propriété intellectuelle, Genève, 30 et 31 janvier.

24-Ritchei Lorelei, (2007), "Re-evaluating Declaratory Judgment Jurisdiction in Intellectual Property Disputes", Indiana Law Journal, Vol.8.

25-Robert Oakly L., (2005-2006), "Fairness in Electronic Contracting: Minimum Standards for Non-Negotiated Contracts", Houston Law Review, Vol.42.

26-Van Den Berg A.J., (1981), The New York Arbitration Convention of 1958, (Deventer).

-WIPO, The Role of Private International law and Alternative Dispute Resolution, AA:[http://www.wipo.int/copyright/en/e-commerce/ip\\_survey/chap.4.html](http://www.wipo.int/copyright/en/e-commerce/ip_survey/chap.4.html), last visited: 21/02/2011.

27-Zhao Yun, (2005), Dispute Resolution in Electronic Commerce, Vol.9, (Leiden/Boston: Martinus Nijhoff publishers).

28-<http://www.kentlaw.edu/depts/ipp/intl-courts/materials.html>; last visited: 13/03/2011.

**Analytical review of the draft international convention on jurisdiction and recognition of court Judgements on intellectual property issues**

**Dr. Mohsen Sadeghi; Associate-Professor at University of Tehran**

**Samin Rajaeian: Master of IP Law-University of Tehran**

**Abstract**

The technical complexities of private international law, namely the establishment of a competent court and international arbitration law, led the World Intellectual Property Organization (WIPO) to draft a uniform regulation on the establishment of a competent court and the identification of court Judgements in international intellectual property trials Physical and digital environments. Familiarity with the provisions of this draft and the legal effects of the adoption of this draft in the legal literature of the country, despite its great importance, has not been taken into consideration in our law. Hence, in this article, we will introduce an analysis of the draft convention. In an independent article, we will consider the implementation of Iranian law with the provisions of this draft.

**Keywords: draft intellectual property convention, draft Hague Convention, competent court, identification and enforcement of foreign Judgements, intellectual property rights.**

